

گزارش درباره وضع جهان و ایران و وظائف حزب در مرحله کنونی

گزارشی که به پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران ارائه می شود شامل دو بخش است:
۱. وضع جهان
۲. وضع ایران و وظائف حزب در مرحله کنونی

وضع جهان

رفقای عزیز!

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایط بسیار پرنج و خطرناک بین المللی بکسار آغاز میکند، با روی کار آمدن ماجراجو ترین و تجاوزکارترین جناح جنگ طلب امپریالیسم آمریکا جهان گام به گام پیوسته فاجعه جنگ هسته ای سوق داده میشود. در جهان معاصر و در برخورد متضاد به مسئله حیاتی جنگ و صلح وجود دارد. اگر کشور های سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی وظیفه خود میدانند، نقش نام و نهاد صلح و امنیت خلقها در سراسر جهان را بعهده داشته باشند، دول عضو پیمان ناتو بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، که دچار بحران عمیق و دامنه دار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک اند، ناگزیر تدریجاً از جنگ هسته ای، امکان جنگ محدود و حتی بلند مدت هسته ای و پیروزی در آن را تبلیغ میکنند و خود را برای وارد آوردن نخستین ضربه آماده میسازند. استقرار مشکهای پرشینگ ۲ و مشکهای پالند را با برد متوسط در ارضای غربی گام عملی بلندی است که از طرف امپریالیسم آمریکا و هم پیمانانش در این راه برداشته میشود. محتوای اصلی سیاست تجاوزکار امپریالیسم آمریکا در مرحله کنونی تلاش برای تضعیف مواضع سوسیالیسم و سرکوب نهضت های رهاشی بخش ملی و جنبش ضد امپریالیستی خلقهاست. بدیهی است که لبه تیز این حمله متوجه کشورهای سوسیالیستی است. تشدید بی سابقه جنگ ایدئولوژیک و جنگ روانی توسط ریگان که در مناسبات سیاسی با سایر کشورها عادی ترین موازین شناخته شده بین المللی را زیر پا میگذارد از طبیعت تجاوزکار امپریالیسم سرچشمه میگردد. ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۳ رفیق آندرووف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس شورای عالی اتحاد شوروی در اعلامیه خطاب به مردم شوروی و جهان سیاست دولت ایالات متحده آمریکا را چنین ارزیابی کرد: "اگر به اجمال بگوئیم این سیاست سنگینی نظامیگری است، که جسد ایران را تهدید میکند. هدف آن نادیده گرفتن منافع دیگر دول و خلقها، کوشش برای تأمین موضع برتر برای ایالات متحده آمریکا در جهان می باشد. افزایش بی سابقه اخیر قدرت نظامی ایالات متحده آمریکا، برنامه های وسیع تولید همه انواع سلاحها و از جمله هسته ای، شیمیایی و عادی تابع این اهداف است. آنها برنامه گسترش مسابقه افسار گسیخته تسلیحاتی به ماوراء جوار تهیه میکنند. حضور نظامی ایالات متحده آمریکا به انواع بیانه های بی پایه واهی، هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای آن شدت می یابد. برای دخالت مستقیم با کمک نیروهای مسلح در امور دیگر کشورها، برای بکار بردن اسلحه امریکائی علیه هر کشوری که به سلطه آمریکا تن در نمی دهد سرپل هائسی بوجود می آید. در نتیجه وخامت در کلیه مناطق جهان در اروپا، آسیا، آفریقا، خاورمیانه و در آمریکای مرکزی شدت یافته است."

این هشدار و اعلام خطر پزتاب گسترده ای در جهان داشت و در شرایط پرنج کنونی بین المللی بیش از پیش برده از نیت واقعی امپریالیسم آمریکا بر میگردد. تشدید بحران ساختاری سرمایه داری، کاهش آهنگ رشد، تورم مزمن و بالا رفتن هزینه زندگی و بیگاری موجبات تشدید مبارزه طبقاتی، گسترش جنبش اعتراضی و نزول ارکان اجتماعی نظام مستقر سرمایه داری را فراهم آورده است. کوششها و تدابیر اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری انحصاری دولتی قادر به حل تضادهای سرشتی آن نیست. در عین حال تضاد بیسن کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه داری بیش از پیش افزایش می یابد. امپریالیسم مخالف تحولات اجتماعی در کشورهای نواستقلال است. در حال حاضر یکی از معضلات عمده این کشورها عبارت است از انتخاب راه رشد اجتماعی - اقتصادی. برخی از دول نواستقلال سمت گیری سوسیالیستی را ترجیح داده اند و با وجود مشکلات عینی با موفقیت در این راه پیش میروند. دول امپریالیستی یا تمام قوا میکوشند راه رشد سرمایه داری وابسته را به جهان سوم تحویل

کنند. زیرا فقط در این صورت است که انحصارهای امپریالیستی میتوانند به غارت منابع طبیعی و انسانی آنها ادامه دهند. اگر در سال ۱۹۷۰ کل وام خارجی کشورهای "جهان سوم" به دولتها و بانکهای اعتبار دهنده از ۷۴ میلیارد دلار تجاوز نیکرد، این رقم در سال ۱۹۸۰ به ۴۰۰ میلیارد و در سال ۱۹۸۳ به ۷۰۰ میلیارد دلار رسید. افزایش سریع مبلغ وام کشورهای نواستقلال، موجب گردیده که هم اکنون این کشورها سالانه بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار فقط بحتوان بهره وام بپردازند. این رقم بر مراتب بیش از کل میلیی است، که دول کشورهای نامبرده بعنوان کمک دریافت میدارند. کشورهای نواستقلال با بی گیری علیه سیاست غارتگرانه انحصارهای امپریالیستی مبارزه میکنند. آنها خواهان استقرار مناسبات اقتصادی برابر بین کشورها هستند. جامعه کشورهای سوسیالیستی از مبارزه کشورهای رشد یافته برای دموکراتیزه کردن اقتصاد جهانی و در نظر گرفتن منافع مشترک شرکت کنندگان در مبادله بین المللی قیام حمایت میکنند. کشورهای سوسیالیستی در مناسبات اقتصادی و بازرگانی با کشورهای نواستقلال از اصل برابری و سود متقابل و عدم مداخله در امور داخلی پیروی می نمایند. مبارزه خلقها در کشورهای رشد یافته سرمایه داری و در کشورهای "جهان سوم" در راه صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم گسترش می یابد. تضاد های داخلی کشورهای امپریالیستی و تضاد های بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای نواستقلال شدت می یابد و موجب تضعیف بیش از پیش امپریالیسم میشود. امپریالیسم که میکوشد جلوسیر تاریخ را بسوی استقرار صلح بیاورد در جهان، آزادی خلقها از اسارت و استقرار جامعه نوین فارغ از جنگ های مخرب، فقر، جهل و استثمار بگنجد سیاست تشدید و خافت اوضاع بین المللی را که با خطر جنگ هسته ای همراه است در پیش گرفته است. خلقهای جهان از بی آمدن های جنگ جهانی دوم یا خیرند. رقم ۶۵ میلیون نفر قربانی که ۵۰ میلیون نفرشان اروپایی بودند از خاطرها محو نمیشود. مجموع خسارات وارده به شهرها و روستاها به چهار تریلیون دلار بالغ گردید. دانش معاصر پاسخ صریح به عواقب جنگ هسته ای میدهد. جنگ هسته ای حیات، تمدن و فرهنگ بشر را نابود خواهد ساخت. جنگ هسته ای بنا بر خاصیت فیزیکی سلاحهای هسته ای فاجعه ای غیر قابل تصور و غیر قابل مقایسه در تاریخ بشر است. واشنگتن برای توجیه سیاست تجاوزکارانه و سلطه گرانه خود بر خلقهای جهان به "منافع حیاتی آمریکا" و به "خطر شوروی" استناد میکند. منافعی که از آن یاد میشود، چیزی جز ادامه غارت منابع طبیعی و بهره کشی از نیروهای انسانی کشورهای "جهان سوم" به منظور تأمین سود های کلان برای انحصارهای امریکائی نیست. در منطقه خاورمیانه غارت منابع عظیم نفت مورد توجه امپریالیسم امریکاست. دستیابی به این منابع و فشار و گسترش سلطه امپریالیسم در این منطقه حساس از نظر استراتژیک، عامل عمدتاً متمرکز نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه است. و اما در مورد باصلاح "خطر شوروی" باید گفت: سیاست استوار و پیگیر صلح و دوستی بین خلقها، پشتیبانی از جنبشهای آزادی بخش ملی و مقابله با صدور ضد انقلاب کما ناسی از طبیعت و سرشت سیستم حاکم بر کشورهای سوسیالیستی است از سنوی، رشد موزون و بین وقته اقتصاد، علم و فرهنگ و پیشرفت اجتماعی در این کشورها که نمونه درخشانی از تحقق آرمانهای والای انسانی برای همه خلقهای دریند امپریالیسم و استثمار است از سوی دیگر، برای امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا مانعی جدی در راه ادامه سلطه گری و تجاوزات بشمار می رود از اینرو امپریالیسم آمریکا علیه کمونیسم و علیه اتحاد شوروی "جنگ صلیبی" اعلام کرده است. که بهر چه در زمینه ایدئولوژی شدت ادامه دارد. "خطر شوروی"، این افشانه برای سرپوش گذاشتن بر برنامه بسیار خطرناک سلطه بی چون و چرا بر جهان از طریق تأمین برتری نظامی از طرف امپریالیسم آمریکا عنوان شده و میشود. تبلیغات افسار گسیخته و گولزوار ضد کمونیسم و ضد شوروی برای خواب کردن خلقهای جهان و از جمله خود خلق امریکاست تا هرنوع مانع از آس راه استقرار مشکهای جدید آمریکا در اروپا، ایجاد پایگاههای جدید، تجاوزات آشکارای نظامی، مداخلات خشن در امور کشورها، برداشته شود. خلقهای جهان با مقایسه سیاست جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا و کوششهای صمیمانه اتحاد شوروی که در برنامه های صلح ایمن کشور و پیشنهادات سازنده و انعطاف پذیر در راه تأمین صلح جهانی متعصب است هر روز بیشتر از روز پیش در می یابند که منبع تشنجات و موجب افزایش خطر جنگ نابود کننده هسته ای امپریالیسم آمریکا و شرکای آن در ناتو هستند. تظاهرات گسترده و روی افزایش خلقهای پشتیبان صلح در اعتراض به استقرار مشکهای جدید ایالات متحده آمریکا در اروپا، علیه تجاوز نظامی به گرنادا و تدارک تجاوز به نیکارا گوه و جنبش عظیم صلح جهانی در مجموع خود گواه روشنی بر این مدعاست.

گزارش درباره وضع جهان و ایران

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، امپریالیسم آمریکا با تشکیل نیروهای اقدام سریع (تجاوز سریع) و گسیل ناوگان جنگی، سیاست دخالت مستقیم در امور داخلی کشورهای منطقه را پیش گرفت. برای دستیابی به این هدف، پایگاه‌های متعدد نظامی در اسرائیل، مصر، مراکش، عمان، بحرین، عربستان سعودی، پاکستان، سومالی، ترکیه و غیره ایجاد کرده و با در دست داشتن تجهیزات نظامی، تعداد نیروهای اقدام سریع از ۱۰۰ هزار نفر در دوران ریاست جمهوری کارتر به ۴۰۰ هزار و برویاتی به ۶۰۰ هزار نفر در حال حاضر افزایش یافته است. این خطری است که همه خلق‌های منطقه را تهدید میکند. هم‌اکنون تفنگداران دریایی آمریکا در لبنان به کشتار مردم بیگناه مشغولند. ادامه جنگ در لبنان و جنگ ایران و عراق، که اولی نتیجه تجاوز مستمر اسرائیل به کشورهای عربی و هر دو حاصل تحریکات امپریالیستی است. صلح و امنیت منطقه و جهان را تهدید میکند. شرکت مستقیم نیروهای مسلح آمریکا در خاور میانه برای باصلاح دفاع از آنچه امپریالیسم بانگی منافع حیاتی خود مینامد، دامن‌دارتر میشود. اظهارات تکی از سران جمهوری اسلامی را در نماز جمعه اول مهر ماه که ممکن است یک روز جنگ بین المللی بشود، ولی کسی که برای حق قیام میکند از بین المللی شدن جنگ هم نمی‌ترسد. "چون تکرار فتنه‌های سراسری همدستان واره روزنالد ریگان چهره‌ها را نمیداند؟ امروز هر کانون جنگ و تشنج جدی در جهان بالقوه خطر جنگ هسته‌ای را در بر دارد و خاور میانه و نزدیک یکی از این کانونهای جنگ و تشنج است."

دستیابی به صلح پایدار و عادلانه در این منطقه از جهان چه باخطر منافع و مصالح مردمی این خلق‌ها و چه برای اجتناب از فاجعه جنگ هسته‌ای ضرورت حیاتی دارد. حزب ما خواهان پایان بخشیدن به دخالت امپریالیسم آمریکا و هندستان آن در امور خاور میانه و نزدیک است. حزب توده ایران مبارزه برحق سازمان آزادیبخش فلسطین را بی‌شائبه تنها نماینده خلق عرب فلسطین در راه آزادی و استقلال و علیه صهیونیسم و امپریالیسم قویا تایید و تجاوز اسرائیل به لبنان و جنایات صهیونیست‌ها را در آن کشور و دیگر مناطق اشغالی و نیز توطئه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل را علیه سوریه محکوم می‌کند. بنظر ما شرط عمده حل بحران منطقه، تخلیه کامل تمام سرزمینهای اشغالی از طرف صهیونیست‌ها و واخاستن دادن بهرگونه دخالت امپریالیستی در این منطقه است. ما معتقدیم که باید با تمام قوا برای پیروزی راندن امپریالیسم از این منطقه مبارزه کرد. سرنگون شدن منطقه خلیج فارس و خلق‌های ساکن سرزمین‌های خاور میانه و نزدیک باید بدست خود این خلق‌ها تعیین شود.

امپریالیسم آمریکا و فعال آن - ارتجاع منطقه مدتهاست جنگ اعلام نشده‌ای را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان دامن می‌زنند. مقصد امپریالیسم آمریکا از ادامه این جنگ علاوه بر تسلط بر افغانستان، استفاده از این کشور دست و برادر ایران علیه میهن ما و جنبش‌های آزادیبخش خلق‌های این منطقه حساس است. حزب توده ایران جنگ اعلام نشده علیه کشور برادر افغانستان را نپذیرد و محکوم میکند و خواهان پایان دادن به هرگونه دخالت در امور داخلی افغانستان است. نبرد خلق‌ها علیه سیاست نواستعمار علیه دخالت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در سراسر جهان روز بروز شدت می‌یابد. انقلاب پیروزنده نیکاراگوئه را خطر بزرگی تهدید میکند. میهن - پرستان نیکاراگوئه نبرد سخت و نایزبری را علیه دخالت آشکار امپریالیسم آمریکا در امور داخلی کشور خود ادامه میدهند. هدف واشنگتن، چنانکه بارها اعلام شده، سرکوب انقلاب خلقی در نیکاراگوئه است.

جنبش آزادیبخش خلق السالوادور علیه رژیم فاشیستی گلاشته امپریالیسم آمریکا با موفقیت ادامه دارد. مبارزه سرسخت میهن پرستان شیلی علیه دست نشانده سیا - پینوشه وارد مرحله نهمی شده و میباید تا به حاکمیت جانجیان و آدامکشان در این کشور بلاکشیده پایان دهد. تجاوز نظامی ایالات متحده آمریکا و پیروزی وحشیانه به کشور آزاد گرنادا و اشغال این سرزمین بمنظور برقراری نظام وابسته به غرب امپریالیستی در این کشور کوچک آنقدر قبیح و فاشیست مآبانه است که خشم نیرومند مردم سراسر جهان و حتی اعتراض کشورهای متحد ایالات متحده آمریکا را در ناتو برانگیخته است. کوتاه سخن، از آمریکای مرکزی گرفته تا آفریقا، آسیا و خاور میانه و نزدیک همه جا آتش نبرد علیه تجاوز و سلطه‌گری امپریالیسم و نواستعمار شعله می‌کشد. مبارزه خلق‌ها در راه آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی مبارزه‌ایست برحق و عادلانه و بهیمن سبب مورد حمایت و پشتیبانی همه نیروهای مترقی و آزادبخش.

رفقا!

دوران ما دوران گذر از سرمایه‌داری سوسیالیسم در مقیاس جهانی است. نیروهای صلح و دموکراسی و سوسیالیسم هم‌اکنون بر نیروهای امپریالیسم برتری دارد. جامعه کشورهای سوسیالیستی به نیروی عظیم در جهان تبدیل گردیده و بحق نیروی تعیین کننده در نبرد علیه امپریالیسم و مبارزه در راه رهایی بشر از جنگ نابودکننده هسته‌ای بشمار می‌رود. کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست و کارگری، احزاب سازمانهای مترقی دیگر هستند - یگانه‌های کارگری انواع سازمانهای مذهبی و غیرمذهبی، شخصیت‌های علمی و فرهنگی، نویسندگان و هنرمندان در سراسر جهان خواستار صلح، تشنج زدایی، عادلانه سیاست همزیستی صلحست- آمیز میان کشورهای دارای نظامهای مختلف اجتماعی - اقتصادی هستند. بهیمن سبب مبارزه در راه صلح و خلق سلاح هسته‌ای به مبارزه واقعی همه خلقی مبدل شده است. در اثر مساعی پیگیرانه جامعه کشورهای سوسیالیستی و در اس آن اتحاد شوروی و بر اثر هوشیاری و بیداری دیگر نیروهای صلح طلب در جهان، بشریت توانسته است طی یک دوران نسبتاً طولانی بعد از جنگ جهانی دوم از وقوع جنگ خانمانسوز بزرگ جلوگیری کند. حزب توده ایران از پیشنهادات جامعه کشورهای سوسیالیستی در زمینه خلق سلاح همگانی قویا پشتیبانی می‌کند و آنها را یگانه راه دستیابی به صلح پایدار و نجات از مرگ هسته‌ای بشمار می‌شمارد.

حزب ما معتقد است مبارزه در راه تخفیف و خاتم اوضاع جهان، تهدید سلاح‌های هسته‌ای، ایجاد مناطق آزاد از سلاح‌های هسته‌ای، برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در

سرزمینهای بیگانه، خاموش کردن کانونهای جنگ یکی از مرمضهای عمده مبارزه ضد امپریالیسم بشمار می‌رود. در دوران ما مبارزه‌ای آشتی ناپذیر علیه امپریالیسم و تجاوزات آن جریان دارد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بزرگترین نیروی ضد امپریالیستی جهان محسوب می‌شود. این اصل مورد قبول همه نیروهای اصیل انقلابی جهان است. حزب توده ایران علیه "تسلسر" و "دو ایر قدرت" بهاریت گرفته شده از قلموس امپریالیستی، که اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا را بدین در نظر گرفتن ماهیت نظامیست - حاکم بر این دو کشور، در یک ردیف قرار میدهد، قاطعانه مبارزه کرده و خواهد کرد. شعار "نه شرقی و نه غربی" سران جمهوری اسلامی را که ضرورت اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی را با بزرگترین تکیه‌گاه آن اتحاد شوروی نفی میکند، سرپوشی برای حفظ رژیم سرمایه‌داری وابسته و نزدیکی با کشورهای امپریالیستی می‌داند.

حکام جمهوری اسلامی که در حرف خود را ضد امپریالیست معرفی میکنند، عملاً طریق دوری از امپریالیسم را در پیش گرفته‌اند و در مبارزه ایگه سیاهترین نیروهای ارتجاعی - علیه کمونیسم و اتحاد شوروی آغاز کرده‌اند. فعالان شرکت دارند. حزب ما سیاست شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی را قویا محکوم می‌کند. هیچ نیروی قادر نخواهد بود حزب توده ایران را رویاری خانواده بزرگ احزاب برادر در رجه اول حزب پرافتخار لنین - قرارداد دهد. وفاداری به مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، مخد متصادفانه به منافع خلق خود و امر مشترک سوسیالیسم، شرط ضروری برای پیروزی در سیاست است، که حزب ما برای نجات میهن ادامه میدهد. ما معتقدیم که شرط اساسی پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع اتحاد سه نیروی اساسی انقلابی عصر ما - س جبهاتی سوسیالیسم، جنبش کارگری و کمونیستی و نهضت رهایی بخش ملی در مقیاس جهانیست. هر روشی برخلاف آن بطور عینی کنگی است به نیروهای ارتجاعی و امپریالیست

بررسی وضع ایران

رفقای عزیز!

انقلاب شکوهمند مردم ایران که توانست به تسلط سلطنتی در ایران پایان داد و ضربه سختی بر مواضع امپریالیسم در یکی از حساسترین مناطق استراتژیک جهان وارد آورد، مقام سرزاد در تاریخ نهضت‌های رهایی بخش و انقلابات ضد امپریالیست خلق‌های ستمدیده پس از جنگ جهانی دوم دارد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایطی جریان داد انقلاب به پایان پنجمین سال خود نزدیک میشود و کشور ما لحظه بسیار دشوار و درد آوری را می‌گذراند. در این مدت کوشاها حوادث مهم در جامعه ما روی داده که بررسی برخی از آنها برای ارزیابی وضع موجود بقصد استفاده در تنظیم خط مشی آیند حزب ضرورت دارد.

رفقا!

جنبش ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی و دموکراتیک مردم ایران کلیه مراحل یک انقلاب واق را طی کرد. همه شیوه‌های مبارزه از نظاهرات خیابانی، اعتصابات اقتصادی و فراوی آنها، اعتصابهای سیاسی سراسری تا قیام صلح در جریان انقلاب به کار گرفته شد. در این میان قیام ۲۰ - ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ دارای اهمیت ویژه‌ایست. در شرایط ویژه آن روزهای سرنگون سازی یگانه راه خنثی کردن توطئه ارتجاع و امپریالیسم قیام مسلحانه بود مقاومت منورانه همافران در برابر "گارد جاویدان" و همگامی مبارزان خلق در سیمای جز توده ایران، چرکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران با آنان و آغاز قیام مسلحانه، ضربه خردکننده‌ای به سنگر ضد انقلاب وارد کرد. در روزهای ۲۰ - ۲۲ بهمن ای توده‌های صلح زحمتکشان بودند. که پادگانها و کلانتهپها را یکی پس از دیگری خلع سلاح صرف کردند. قیام مسلحانه در عین حال نقش جناح سازکنار در رهبری انقلاب را برای ننگد ارتش به صورت دست نخورده نقض برآب کرد. از اینرو قیام صلح ۲۰ - ۲۲ بهمن را باید حلقه تعیین کننده انقلاب بزرگ خلق‌های ایران برای پایان بخشیدن به تسلط امپریالیسم و سرنگون ساختن رژیم سلطنتی ارزیابی کرد.

با قیام مسلحانه ۲۰ - ۲۲ بهمن ماه، جنبش انقلابی مردم میهن ما، پیروزی بزرگ تاریخ بدست آورد ولی این، تنها گام اول در راه رسیدن به اهداف انقلاب بود. با پیروزی انقلاب حل مسائل بسومهم و حیاتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دستور روز قرار گرفت. سیر انقلاب نشان داد که توده‌های میابونی زحمتکشان فقط برای تغییر ربهتای سیاسی مبارزه نکردند، بلکه خواستار دگرگونی بنیادی زمیننا هم بودند. شعار پایان دادن به سیطره امپریالیسم که در جهان اوج جنبش از جانب نیروهای محرکه انقلاب مطرح شد و بزودی به شعار عموم خلق مبدل گردید، خواست توده‌های وسیع مردم را که تاملین استقلال اقتصادی و حاکمیت واقعی ملیست - متعین میکرد.

تاملین استقلال اقتصادی که به معنی دستیابی به استقلال واقعی ملی است، فقط با مبارزه در راه تاملین انقلاب امکان پذیر بود. مضمون آزادی ملی نیز، که هدف اساسی بشمار میرفت جنبش این نیتوانست باشد. چگونگی برخورد به این موضوع نقش تعیین کننده در ارزیابی رهبری جدید داشته و دارد.

در ماههای نخست پس از پیروزی انقلاب، شورای انقلاب تحت تاثیر جو حاکم گامهای مثبتی در جهت برآورده ساختن برخی از خواستههای نیروهای انقلابی شرکت کننده در جنبش برداشتی ملی کردن ۵۱ کارخانه بزرگ متعلق به گروههای صنعتی و سرمایه‌داران بزرگ قرار داد، ملی کرد بانگها و بیبه، عصاره اموال خاندان پهلوی و سردمداران رژیم تصویب قانون اصلاحات ارضی مشهور به بندهای "ج" و "د"، پایان دادن به سیطره امپریالیسم آمریکا در ایران، محسور

گزارش درباره وضع جهان و ایران

زیربنا تجارکار سنتی و پیوستن به چرخه دول غیر متحد، تجدید عملکرد سرمایه انحصاری فارسی، الخای قرارداد نابرابر با کنسرسیوم بین المللی نفت، کاهش صدور نفت خام و بالاخره برامات آزاد بیهای دموکراتیک در دورانی محدود، طغیان گاشکنی های فراوان نیروهای ارتجاعی و فعالیت احزاب سیاسی انقلابی، از جمله دستاوردهای خلسق بشمار میرفت.

حزب توده ایران ضمن انتقادات سازنده، از کلیه اقدامات شورای انقلاب که در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم و پایان دادن به سیطره کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بود، بحسب پشتیبانی کرد. در همین حال، حزب توده ایران و دیگر سازمانهای انقلابی بدستی خواهران دادیم انقلاب و تحمیل هرچه بیشتر مضمون و محتوای آن برای ایجاد شرایط مناسب برخورداری فزاینده توده های زحمتکش از مواهب مادی و معنوی بودند.

در نامه سرگشاده مورخ خرداد ماه ۱۳۵۸ کمیته مرکزی حزب توده ایران به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب درباره ضرورت اتحاد برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب و پیداکردن راه حل انقلابی از مشکلات موجود چنین میخوانیم:

"فرهنگی نظام جهانی استبداد افسانه سلطنتی سرنگون شده ۰۰۰۰، اخراج دهها هزار مستشار آمریکایی، که همه شرایطهای حیاتی زندگی اجتماعی ما را قیقه کرده بودند، و تقصیرات قراردادهای اسارت آور کاپیتولاسیون، مستوع خرید میلیاردها دلار جنگ افزار و تاسیسات صنعتی غیرضروری، بیرون کشیدن صنایع و صادرات نفت از چنگال حریص و خون آلود انحصارهای نفتی امپریالیستی، بازخواندن ارتش ایران از قطعه مناسبات سیاسی با رژیم سادات خائن، امتناع از فروش نفت به اسرائیل و نواد پرستان جنوب افریقا، اینها همه دستاوردهای چشمگیر و با اهمیت انقلاب ایران در این مدت کوتاه است."

موازات این ارزیابی مثبت حزب ما در دسواپهای فراوان بر سر راه تحکیم و تثبیت پیروزی انقلاب را نیز خاطر نشان میساخت: "از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که با کمال تاسف، در زمینه شناختن این دسواپها و راه از بین برداشتنشان، در میان نیروهای ملی دید یگانه ای وجود ندارد و در نتیجه عمل متحد و پیگیری انجام نمیگردد. تردید نمیتوان داشت که بسا آداه این وضع خطرات جدی مهمترین دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار میدهد. در این نامه سرگشاده کمیته مرکزی نه تنها دشمنان انقلاب را معرفی میکند، بلکه همه مسائل حاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را مطرح و راه برون رفت از آنها را نیز ارائه میدهد. این مواضع اصولی حزب توده ایران، که بازتاب آنرا در اسناد و مدارک رسمی کمیته مرکزی حزب نمیتوان مشاهده کرد، در افزایش ضد انقلاب و تجهیز زحمتکشان در مبارزه برای تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب نقش مهمی داشت."

متأسفانه باید خاطر نشان ساخت طغیان گاشکنی های حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی، ملی و دموکراتیک انقلاب نتوانست به اهداف خود نائل آید. انقلاب، که تا یکسال و اندی پیش از پیروزی، کم و بیش سیر صعودی می پیچید، متوقف و سپس سیر نزولی را آغاز کرد. عامل متوقف شدن در این روند وجود نیروهای ارتجاعی، قشری و انحصار طلب در رهبری سیاسی جدید بود. نباید از نظر دور داشت میل به متوقف ساختن انقلاب و جلوگیری از تداوم آن از فردای انقلاب آغاز گردید. جناح راست رهبری سیاسی نوبین کوشش فراوان میکرد تا شور انقلابی زحمتکشان را خاموش کرده آنان را به "بازگشت به خانه ها" وادار سازد. اگر نتاسب نیروها در درون رهبری سیاسی نوبین از سوئی و آگاهی توده های زحمتکش و حضور آنان در عرصه مبارزه از سوی دیگر، نیل به این هدف را در سالهای نخست بعد از پیروزی شکل میساخت، بعد ها با سنگین شدن کفش نیروهای ارتجاعی در حاکمیت جلوگیری از سیر صعودی انقلاب امکان پذیر شد.

نوسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسود محرومان فقط هنگامی مثمر می افتاد، که دولتی متجانس، منسجم و موافق به انقلاب با اتحاد همه نیروهای انقلابی، ملی و مترقی اداره کشور را بدست میگرفت. حزب توده ایران یارها این واقعیت مهم را با سران جمهوری اسلامی در میان گذاشت. ولی رهبری سیاسی نوبین به حل این معضل حیاتی تن نداد. درست است، که با پیروزی انقلاب، هیئت حاکمه نوبین با پایگاه طبقاتی جدید زمام امور کشور را بدست گرفت، ولی این هیئت حاکمه از دیدگاه وابستگی طبقاتی یکدست نبود و دستگاه دولتی به ارث رسیده از رژیم شاه نیز تقریباً دست نخورده باقی ماند. حال آنکه بدون تیدیل دولتی به عامل پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و بدین دموکراتیزه کردن دستگاه دولتی تداوم انقلاب امکان پذیر نبود.

انقلاب خلقهای میهن ما با منافع طبقات و گروههای اجتماعی گوناگون در داخل و هم چنین در مقیاس جهانی در اصطکاک بود. اگر در جریان جنبش انقلابی همه نیروهای محرک انقلاب، صرف نظر از وابستگی های طبقاتی و اجتماعی در صف واحدی مبارزه میکردند، پس از پیروزی انقلاب و بپایه پس از گامهای مثبتی که شورای انقلاب در نخستین سال پس از پیروزی انقلاب برداشت، روند مرز بندی طبقاتی با سرعت هرچه بیشتر ادامه یافت و اختلاف گروههای اجتماعی شرکت کننده در مبارزه بیش از پیش ظاهر شد. و این نتیجه گیری تبلور مناسبات بیسن استعمارشوندگان و استثمارکنندگان نبود. اختلاف بر سر دو مسئله مهم یعنی حاکمیت و مالکیت بود که مرتباً بالا میگرفت.

آیت الله خمینی بعنوان رهبر سیاسی مورد قبول عام، که مآلا در مرکز رویدادهای دوران اوج جنبش انقلابی قرار داشت با ایفای نقش هماهنگ کننده توانست اتحاد نیروهای محرک انقلاب را تا پیروزی جنبش و در ماههای نخست بعد از پیروزی آن کم و بیش حفظ کند. در این زمینه همسوئی و همگامی برخی از رهبران مذهبی با شعارهای مردمی نقش حساسی داشت. "عدالت اسلامی" و یا "عدالت اجتماعی" که روحانیت شرکت کننده در انقلاب وده آتزیسه مردم میداد، در عین بسباحت ظاهری با ایمال زحمتکشان، دارای محتوای کشداری بود. ولی در جریان انقلاب هیچ یک از نیروهای سیاسی شرکت کننده در جنبش انقلابی نه در اندیشه شکافتن مضمون آن بودند و نه وقت آنرا داشتند. آنچه در آن مرحله از نهضت انقلابی اهمیت داشت نقش تجهیزکننده شعار "عدالت اسلامی" بود که در مقابله با شعار "تدن بزرگ شاه" مطرح گردید. شعار "عدالت اسلامی" که بشکلی مبهم، خواست زحمتکشان را دایر بی بی نظام بهره کشی متعصب میکرد برای توده های محروم ملموس بود. در تلقی از شعار "عدالت اجتماعی"

و یا "عدالت اسلامی" تمایلات گوناگون ضد سرمایه داری و دموکراتیک و توحیدی و متاثر آن به چشم می خورد؛ قشرهای معینی از مسلمانان انقلابی با ایدئولوژی اسلامی، بخشی از روحانیون حاکم، حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی چپ حاکمین این نظرات بودند.

کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و سخننگاران آنان اعم از روحانی و غیر روحانی "عدالت اسلامی" را فقط در چارچوب مشروعیت مالکیت نامحدود بر سمیت شناخته و میسازند. آنچه روحانیون ایران را در موضعگیری سیاسی، اجتماعی متمایز داشته همین برخورد مسئله مالکیت است. میتوان گفت که از همان ابتدا بطور عمده دو جبهان متضاد در میان روحانیون از جمله روحانیون طراز اول و مراجع تقلید از طرفداران مالکیت محدود و طرفداران مالکیت نامحدود وجود داشت.

یادآوری این واقعیت لازم است که رشد سرمایه داری وابسته و تیدیل ایران به "جامعه مصرف کا دیگه" موجبات سیر سریع جامعه پسوی زندگی با اصطلاح "مدرن" را فراهم می آورد، در سنین مذ هب و خانوادگی تزلزل ایجاد کرده و بر انتقادات سنتی توده ها تاثیر میگذارد. این تاثیر چنانکه روحانیون حاکم یارها و یارها بدان اشاره کرده اند، بیوزه میان نسل جوان محسوستر بود. روند مزبور با منافع اساسی روحانیت در حال و آینده و در تضاد قرار میگرفت.

پدیده ایست که فقط روحانیون مخالف رژیم شاه نگران این وضع نبودند. لایه های گوناگون اجتماعی در این زمینه با این گروه از روحانیت همسو بودند. قشر معینی از بورژوازی صنعتی کوچک و متوسط، بورژوازی تجاری، اکثر کسبه و پیشهوران و دهقانان، روستائیان مهاجر - حاشیه نشینان شهرهای بزرگ، بخشی از پرولتاریای صنعتی و نیز لایه ای از روشنفکران مسلمان در زمره این گروه بودند.

ولی تنها تضاد روحانی بین شیوه زندگی از غرب سرمایه داری به عاریت گرفته شده توسط سرمایه داری وابسته و دران حکومت شاه با معتقدات و شیوه زندگی سنتی نبود، که انفعال عظیم انقلابی را با خود به همراه داشت. این تضاد تنها یکی از تضادهای درون جامعه ما بود. همانگونه که از شعارهای عمده و فراگیر انقلاب پیدای بود، مردم برای تائین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بپاخاستند، خواسته های که همچنان مطرح است و توده های وسیع مردم در تحقق آنها هستند.

برای حزب ما روشن بود همه آنها یکدیگر زیر پرچم جمهوری اسلامی به قدرت رسیدند یگانه فکر نمیگردند زیرا یگانگی طبقاتی نداشتند. ناهمگونی ترکیب حاکمیت ابتدا در شکل و محتوای دولت موقت و شورای انقلاب نمایان شد.

تیرد واقعی در این دوره از عمر حکومت جمهوری اسلامی بر سر محور امپریالیسم آمریکا و نوع مناسبات با او در میزود و حزب توده ایران با استفاده از فعالیت آزاد خود سعی کسرد ماهیت امپریالیسم آمریکا را بعنوان خداترین دشمن انقلاب به توده های مردم و به حاکمیت اسلامی در مجموع خود بشناساند. باید اذعان داشت که حتی مسلمانان مبارز در درون حاکمیت نیز آنچنان که انقلاب عظیم ایران میطلبد شناخت عمیق از امپریالیسم نداشتند.

سمت گیری دولت موقت در خط سازش با امپریالیسم، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته بود. کوشش برای بازگرداندن مالکان و سرمایه داران بزرگ فراری و موضعگیری خصمانه علیه پیروان سوسیالیسم علمی در ایران و کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای آزاد بیخشمی در عرصه سیاست خارجی از مشخصات عمده دولت موقت بود.

بالا بودن روحیه انقلابی در مردم، حضور فعال نیروهای انقلابی ضد امپریالیسم و مردمی از جمله دارندگان ایدئولوژی سوسیالیسم علمی نظیر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران در صحنه انقلاب زمینه نیروی جناح هواداران "عدالت اسلامی" در حاکمیت را تقویت میکرد. بسیاری از اقدامات انجام شده در آن دوره و با تصعیمات مترقی، که شورای انقلابی وقت ولی به مرحله اجرا نرسید، در واقع تحت تاثیر آرمانهای خلقی مسلط بر جامعه ایران و دیگر شرایط آن در آن بسود. حزب توده ایران با علم به همین واقعیت از هر تصمیم درست، از هر تصنیفنامه به حق و هر برخورد سالم به مسائل اجتماعی دفاع کرد و آنرا به میان توده های مردم برد تا به نیروی واقعی و مادی تیدیل سازد. آگاهی توده ها در باره جناحهای حاکمه، بسیج آنها جهت طرد سدکنندگان راه انقلاب و مجبور ساختن اعلام کنندگان بده های در سست و انقلابی به انجام آنچه که اعلام داشتند از اهداف درست و برحق حزب ما بوده است. انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل مجلس شورای اسلامی برخورد دو جناح در حاکمیت را که تصور می رفت، با استعفا ی دولت موقت و انحلال شورای انقلاب تقلیل دهد، به دیگری بشکل تازه تری مطرح ساخت.

با برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری در واقع رهبری سیاسی بطور عمده در اختیار آیت الله خمینی و طرفداران او در حاکمیت قرار گرفت. در این شرایط با در نظر داشت اختلافات گذشته در حاکمیت سیاسی و توقف روند تحمیل انقلاب، امید میرفت گامهای اساسی در جهت حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی جامعه به نفع توده های زحمتکش برداشته شود. این امید به تحقق نیویست و این روند نه تنها آغاز نشد، بلکه گامهای نیز به عقب برداشته شد و سیاست رژیم بیش از پیش به راست متغییل گردید. چرخش به راست با پایگاه طبقاتی هیئت حاکمه در ارتباط است.

روحانیون حاکم ترکیبی از جناحهای گوناگون را تشکیل میدهند. جناحی مظهر سیاسی و نماینده کلان سرمایه داران، بپایه بورژوازی تجاری و بزرگ مالکان و جناح دیگر حامیان "عدالت اسلامی" در جامعه اند. اگر جناح نخست خواهان اشکال محدود تر تسلط سیاسی درین حفظ تسلط کامل نظام سرمایه داری وابسته است، جناح دوم حفظ تسلط انحصارگرا نه سیاسی و اقتصادی را برای پیاده کردن آنچه بنام "عدالت اسلامی" مینامد، در جامعه ضروری داند. کوشش هر یک از جناحها برای تائین فرمانروایی خویش و فرمانبرداری طرف دیگر، عقب نشینی در مقابلش بورش یک جناح و در پیش گرفتن طریق معاشات و عمل مشترک در برابر خواستاران تحولات عمیق اجتماعی به قصد دفاع از منافع خود و مشارک از طبقات و اقلات جامعه انجام میشود که نمایندگی آنها را بعهده دارند. بنابراین میتوان گفت "روحانیت حاکم" نه نماینده یک قشر معین از یک صیبه معین بلکه نماینده قشرهای گوناگون طبقات و لایه های مختلف جامعه از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان گرفته تا بورژوازی متوسط و کوچک و خرده بورژوازی است. در چنین زمینه ایست که روحانیت حاکم خود را مافوق تناقضات طبقاتی معرفی میکند که گویا همراه با دیگر اقلات جامعه در مجموع "مردم" را تشکیل میدهند و از منافع مردم دفاع میکنند.

گزارش درباره وضع جهان و ایران

و از اینرو با حساسیت خاص برخورد طبقاتی و مسائل اقتصادی و اجتماعی را دست پختن شیطان مغربی میکنند.

کلاس سرمایه داران و بزرگ مالکان توانستند از اصلاحاتی که حتی از محدوده فرمهای بورژوا - دموکراتیک خارج نمیشد معانت بعمل آورند. تسلط روحانیون قشری و انحصارطلب در حاکمیت فقط میتوانست جمهوری اسلامی را با ضمون بورژوازی در پی داشته باشد. اگر در زمان شاه گروه های صنعتی یعنی قشر فوئانی سرمایه داران و نیز بزرگ مالکان در پشت نسام شاه فرمانروایی میکردند با ایجاد جمهوری اسلامی و حذف گروههای صنعتی اینک کلاس سرمایه داران و بیزنه بورژوازی تجاری و نیز بزرگ مالکان در مجموع خود در پوشش "مؤنن شرعی" و "نام امت مسلمان" حکمرانی میکنند و جامعه بیچاره آنکه محتوای نون کسب کند، بفرای حفظ منافع آنان بسوی کهنهترین شکل سنتی - مذهبی سوق داده میشود. مشخصه عمده وضع موجود را میتوان سیاست مانور میان طبقات و اقشار و "استمداد" عوام فریبانه از تمام قشرها و طبقات جامعه برای برده پوشی دفاع از منافع طبقه استعمارگر دانست.

مجموعه عوامل یادشده بود که مانع تداوم انقلاب در جهت تحقق اهداف آن شد و انقلاب را به بیراهه کشانید. اینک گروه راستگرایان و قشریون سلطه بر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در تلاش آسمانی جلوه دادند و این عقب نشینی رهبری انقلاب از وده های عدالت پرهانسه است. علا به این گروه و امپریالیسم همگونی نظرات وجود دارد و همه آنان در مبارزه علیه درگاندیشان اعم از توده های، مجاهد، فدائی و غیره در صف واحدی قرار دارند. حمایت آنان از مذهب نیز محدود به حفظ منافع طبقاتی آنان است. اسلام پوششی است برای استعمار مقاصد اجتماعی - اقتصادی و سیاسی آنها.

راستگرایان و عمال امپریالیسم توانستند از وضع فلاکتیار موجود که خود بانی آن هستند در جهت گسترش پایگاه اجتماعی خویش بهره برداری کنند. باعتراف برخی از روحانیون علاوه بر دست پروردگان غرب گیاه عدای از سلطمان خالص و خوب که ناخود آگاه گراپی به حرکت غری و غرب پسندانه دارند و نیز گروهی از روحانیون به جرگه آنان پیوسته اند.

یکی از پایگاههای این گروه "انجمن حجتیه" است، در ماههای اخیر در پحیوه مبارزه بر سر قدرت که از ویژگیهای جمهوری اسلامی بشمار میرود، حملاتی علیه انجمن آغاز شد. مدارک و اسناد منتشره دال بر آنستکه "انجمن حجتیه" سالیان سال پیش با اجازه رسمی سساواک تشکیل و تحت نظارت و یا حمایت مالی آن سازمان جهنی مشغول فعالیت بود. سران جمهوری اسلامی که کلیه اسناد و مدارک ساواک را در اختیار دارند از سالها پیش از خوشاوندی نزدیک انجمن با ساواک مطلع بودند ولی سکوت میکردند. انجمن به مثابه پایگاه ارتجاع و امپریالیسم توانست در موسسات دولتی و نهاد های انکلی، ارتش و سپاه پاسداران، پلیس، ارتد ارسری و غیره نفوذ کند. نمایندگان انجمن در مجلس شورای اسلامی، در کابینه هایی که پستند از انقلاب یکی پس از دیگری روی کار آمدند، در ارگانهای عالی قضائی و بالاخره در همه مقامات حساس جای گرفتند.

اینک که نقاب "انجمن حجتیه" دریده شده، می کوشند تا جنبه های سیاسی - اجتماعی موضوع را کتمان کنند و بطور عمده روی نظرات مذهبی انجمن تکیه میشود. می گویند انجمن با ولایت فقیه مخالف است و بنظر رهبران آن وضع در جوامع اسلامی باید بدرجه ای از وضایت برسد تا شرایط ظهور مهدی فراهم آید.

"انجمن حجتیه" بنیایه پایگاه کلاس سرمایه داران و بزرگ مالکان و بعنوان سخنگوی آنان نقش ویژه ای در گرایش جمهوری اسلامی براسات و بیزنه بسوی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ایفا کرده و میکند. "انجمن حجتیه" در تدارک مقدمات و پیشبرد اهداف کودتای خزنده بقصد شکست کامل انقلاب رل مهمی بعبیده داشته و دارد.

ساده نگری است، اگر تصور شود با حمله رقیق به "انجمن حجتیه" و صحنه سازنها علیه "تئوریه های اقتصادی" و تخیی برخی مهرها در کابینه کلاس سرمایه داران و بزرگ مالکان سخنگویان خود را در حاکمیت از دست میدهند. تا زمانیکه اهداف انقلاب در زمینه تحول بنیادی به سود محرومان جامعه بدست فراموشی سپرده شده، تا زمانیکه مالکیتهای بزرگ دست نخورده باقی مانده، تا زمانیکه دولت طریق احیاء نظام منطبق سرمایه داری وابسته را در پیش گرفته، تا زمانیکه دروازه های کشور بروی انحصارهای غارتگر خارجی گشوده است، تا زمانیکه کارگران و دیگر زحمتکشان و نیروهای سیاسی مدافع آنان از ابتدائی ترین آزادیها و حقوق دمکراتیک محروم و گروه گروه روانه سیاهچالها می شوند و یسا بقتل می رسند، مواضع کلاس سرمایه داران و بزرگ مالکان و روحانیون راستگرا و قشری مدافع این فارتکران تقویت خواهد شد و پس:

رفقا!

همانطوریکه در اسناد و مدارک حزبی ما منعکس است، انقلاب بهمن ۱۳۵۷ مردم مین مسانقلابی ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی، ضد استبدادی و مردمی بود. توده های زحمتکش و بیزنه طبیقه کارگر ایران در جریان جنبش انقلابی خواسته های صریح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را مطرح کردند. رهبران سیاسی چه در دوران اوج جنبش، چه بعد از پیروزی انقلاب متعهد شدند تا به خواسته های توده های میلیونی شرکت کننده در انقلاب تحقق بخشند. مردم در انتظار تحولات موثر اجتماعی - اقتصادی در جامعه بودند. ولی انقلاب در مرحله سیاسی متوقف شد و به طلی که یادآور شدیم نتوانست به انقلاب اجتماعی فرارود. محدودیت طبقاتی حکام جمهوری اسلامی موجب گردید که رهبری سیاسی نتواند به وده های خود پیرامون تحولات اجتماعی - اقتصادی عمل کند. چرخش هیئت حاکمه براسات دستاوردهای اولیه انقلاب را نیز در معرض خطر جدی قرار داد. طبیعی است که این تغییر جهت رژیم یا واکنش سخت نیروهای انقلابی و دمکراتیک مواجه گردید. بیورش سیحانه رژیم به حزب توده ایران و دیگر نیروهای مردمی نیز بازتاب ایسن سیاست ضد ملی هیئت حاکمه است.

پی آمدهای مخرب چرخش به راست

هرچ و مرچ بیسابقه زاینده بحران و یا صریحتر گفته باشیم ورشکست اقتصادی مولود عساکفایت و کارائی، نبود برتانه دقیق و حساب شده، فقدان تزیصیخ نظام اجتماعی - اقتصادی، نیم بی پایان برسر قدرت، گسترش فقر و بیگاری، تعمیق شکاف بین فقر و ثروت، تشدید ترور و اختننا ادامه جنگ ویرانگر و بی حاصل و بالاخره گسترش فساد در جامعه و آورد تسلط نیروهای راست انحصار طلب و قشری در حاکمیت است.

حزب توده ایران بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با توجه به خطرات ناشی از بحران اقتصاد د اتخاذ تدابیر عاجلی را در جهت سررسامان دادن به اقتصاد ملی و نوسازی آن، برپایه یس نظام اقتصادی - اجتماعی معقول و سالم مطرح ساخت. حزب خطوط اساسی دستیابی به یسا اقتصاد پویای ملی را نیز ارائه داد.

نوسازی اجتماعی - اقتصادی جامعه بمسود محرومان و زحمتکشان، محتوای اساسی استراتژ حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی مترقی بود. حزب توده ایران بنا به رسالت تاریخی وظایف خود در قبال طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران از روز نخست خاطر نشان کرد، که چنین نوسازی باید بلافاصله آغاز گردد و به هیچ بهانه ای نمیتوان و نباید این امر عظیم و حیاتی را "بعد از" تحکیم پرورزی سیاسی موکل کرد. حزب اهرم سیاسی دستیابی به این هدف را نیز، که جنبه متحد نیروهای محرك انقلاب بود مطرح ساخت و بد رستی متذکر شد، که فقط در چنین صورتی میتوان از حمایت گسترده مردم بخاطر نوسازی جامعه بهره مند شد. متأسفانه با چیره شد نیروهای ارتجاعی راستگرا، انقلاب از مسیر اصلی منحرف شد. سران جمهوری اسلامی که سخت درگیر نبرد بر سر قدرت بودند، با وقت گذرانی و اتخاذ تدابیر نسنجیده و گاه نیم بند به مقاصد تبلیغاتی، با حمایت و پشتیبانی آشکار و نهان از زالوهای اجتماعی ضربات مهلکی بر پیکر ضعیف اقتصاد ملی وارد آوردند. خطر به درجه ای محسوس و جدی است که بازتاب آنرا می توان در بیانات مقامات عالی رتبه رژیم نیز پیمان مشاهده کرد. آنها از کمبود های اقتصادی، از اختلاف برسر "مسائل دنیوی" یعنی بر سر قدرت و ثروت، از بیگاری مزمن، از تورم فزاینده، از اختلاف و دست بندی میان روحانیان، از دودستگی و چند دستی ملت، از سقوط سپاه پاسداران و ارتش در دا، خود محوری، از گرایش هیئت حاکمه به اشرفیت سخن می گویند.

برای تصور دقیق پی آمدهای مخرب چرخش براسات در عرصه اقتصادی و اجتماعی بناچار باید دست بدامان برخی ارقام شد. آمار بانک مرکزی حاکمیت که شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از ۱۰۰ درصد در سال ۵۶ به ۳۵۵ درصد در سال ۱۳۶۱ رسیده، یعنی بیش از ۳/۵ برابرا شده است. از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۱ حجم اسکناس در گردش در برابری گردید و به ۱۸۰۰ میلیارد ریال بالغ شد. طی همین مدت حجم پول، یعنی مجموع اسکناس و اوراق بهادار سه برابر افزایش داشت.

افزایش بی رویه حجم اسکناس و پول بی پشتوانه در گردش، که یکی از علل عمده تورم فزاینده و بالا رفتن بهای کالا و خدمات مصرفی بشمار میرود، محصول استقراض دولت از سیستم بانکی برای تأمین کسر بودجه سرسام آور است. طی سالهای ۶۰ و ۶۱ دولت میلیگی در حدود ۲۵۰ میلیارد ریال برای این منظور از سیستم بانکی وام دریافت داشته است. این روند همچنان ادامه دارد و نتیجه آن کاهش بیسابقه ارزش ریال در بازار داخلی و نیز تنزل ارزش آن در مقایسه بسا ارزهای خارجی است، چنانچه ارزش ریگ دلار آمریکائی از ۷۰/۴ ریال در سال ۱۳۵۷ به ۱۲۰ ریال در سال ۱۳۶۱ رسید.

این ارقام جای کوچکترین تردیدی در کاهش سریع قوه خرید و "مالآ" تنزل سطح زندگی میلیونها نفر، کارگران و دیگر زحمتکشان باقی نمی گذارد. و این در شرایطی است که دولتست جمهوری اسلامی از بالا بردن سطح دستمزدها امتناع میورزد و هرگونه اعتراض کارگران و اعتصاب آنها را سرکوب می کند.

امتناع سران رژیم از حل مسئله مالکیت و تعیین حدود آن، عدم برتانه های ملی و دقیق برای رفع نایبامانیهایی صنعتی و کشاورزی، عدم صلاحیت و کارائی دست اندرکاران اقتصادی ایسن دوشخس حیاتی اقتصاد ملی را در معرض ورشکستگی تام و تمام قرار داده است. بموجب آمار دولتی در بحال حاضر ۷۵٪ مواد اولیه کارخانه ها و ۹۵٪ ماشین آلات مورد نیاز صنایع - خارج و در درجه اول از کشورهای امپریالیستی تأمین می شود. برای به حرکت در آوردن چرخ های صنعتی سالیانه بیش از ۷ میلیارد دلار از صرفه تأمین مواد اولیه ویدیکی میشود، پی برای درک عمق این وابستگی دهشتناک کابینهت بگوئیم این رقم ۱۲٪ تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می دهد. به بیان دیگر جمهوری اسلامی در ازا، اشتغال هر کارگر در بخش صنعتی سالیانه حدود ۱۰ هزار دلار از رز صادر می کند.

سال گذشته بیش از ۱۴/۷ میلیارد دلار صرف خرید کالا از خارج شد. علاوه بر مواد اولیه ویدیکی، بخش قابل ملاحظه این مبلغ صرف خرید کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی از جهان سرمایه داری گردید. هم اکنون جمهوری اسلامی سالیانه ۲ میلیون تن گندم، ۲ میلیون تن علوفه ۶۰۰ هزار تن برنج و ۴۰۰ هزار تن گوشت از خارج وارد می کند. در سال ۶۱ ارزش مواد غذایی وارد شده به کشور به ۴ میلیارد دلار رسید، که بهرابت بیش از واردات مشابه قبل از انقلاب است، و این واقعیت نمود آری چون چواری ورشکست کشاورزی است. رد قانون نیم پند اصلاحات ارضی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی و بازرس گرفتن اراضی تقسیم شده از دهقانان با توسل به قوای سرکوبگری نمیتوانست بیش از این حاصلی داشته باشد. ارقام فوق میبین آنست که جمهوری اسلامی با سماجت سیاست اقتصادی - اجتماعی رژیم سرنگون شده را دنبال میکند. گسترش بیسابقه معاملات با انحصارهای ژاپنی، آلمان فرب، ایتالیا، فرانسه، آمریکا و غیره، اختصاص ۸۰٪ واردات کشور به آنها و کمپانیهای تحت نظارت این انحصارها در ترکیه، پاکستان، برزیل و کره جنوبی، افتتاح دویاره نمایندگیهای انحصارهای چند ملیتی در تهران، هجوم نمایندگان انحصارهای خارجی به ایران برای احیای قراردادهای اسارت آور اقتصادی. اضیاء شده در دوران شاه، احیای قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی، سزایر شدن خیل مستشاران و کارشناسان غربی به کشور، آغاز مغالته با "شیطان بزرگ" در دو سال اخیر آغاز پایان استقلال ملی است.

چندی قبل مقامات مسئول وزارت امور اقتصادی و دارائی اعتراف کردند، که در حال حاضر ۱۸۰ واحد صنعتی با سرمایه خارجی از مجموع ۲۵۰ واحد موجود قبل از انقلاب، در ابران

برای احیای سازمانهای حزب در داخل کشور، در شرایط مخفی، باید مراتب زیر در نظر گرفته شود:

- مراعات اصول چهارگانه عدم تمرکز، ترجیح کیفیت بر کمیت، تلفیق کار ملنی و مخفی و حفظ اسرار حزبی؛
- ایجاد شاخهها و هستههای مجزا و استوار؛
- اجتناب از پیوستن شاخهها و هستهها به یکدیگر و حفظ استقلال هستههای کوچک؛
- مراعات قطعی انضباط حزبی؛
- مراعات اکید اصل پنهانکاری بیثابه عامل حیاتی در اجرای وظایف حزبی؛
- مبدود ساختن طرق اشاعه هرگونه اطلاعات حزبی و موظف ساختن همه افراد حزب به حفظ اسرار؛

گام بیگام ممکن است. کار حزبی باید به نحوی که شورش بیشتر و ضربه پذیری آن کمتر باشد و پس از یکار بردن حد اکثر هوشیاری انقلابی برای جلوگیری از نفوذ دشمن در حزب سازمان داده شود. تجدید تشکیلات حزب در کشور کمترین، حادث ترین و مرکزی ترین مسئله ما در حال حاضر است. بدون حل این مسئله مهم و حیاتی حل دیگر مسائل ممکن نیست. در شرایط کنونی وظیفه اعضای حزب تشخیص درست خواستها و مطالبات توده های زحمتکش کارگران، دهقانان و شرکت فعال در مبارزه روزمره برای تشکیل و بهبود شرایط کار و زندگی آنانست. پذیرش آنکه ما امروز در میان توده ها بخش کمینیم، فردا به نیروی مادی عظیمی مبدل خواهد شد. و در پیشبرد اهداف انقلاب و تدابیر آن یاری خواهد داد.

اتحاد عمل احزاب و سازمان های انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیست ضرورت تاریخی است!

اتحاد احزاب و سازمانهای سیاسی انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی در جبهه متحد خلق، صرف نظر از نظرات سیاسی، معتقدات دینی و گرایشهای اجتماعی آنان، به پیرامون برنامه و خط مشی مشترک یکی از اصول مهم برای تجهیز نیروها در مقابل با ارتجاع و اعمال امپریالیسم و مبارزه در راه تحول بنیادی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است.

نبرد مستمّر در راه وحدت عمل کلیه مبارزان راه آزادی و استقلال ملی در جبهه واحد یکی از فصول درخشان تاریخ مبارزه حزب توده ایران میباشد. "جبهه آزادی"، "جبهه مؤلف احزاب آزادیخواه"، "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری" که دهه سالهای ۲۰ به ابتکار حزب توده ایران تشکیل گردید کامیاب نخواستی بودند در تحقق این امر حیاتی. در سالهای بعد حزب ما بارها اهمیت تشکیل جبهه واحد را طی پیشنهادهای متنوع مطرح ساخت. شعارهای "جبهه واحد ضد استعمار"، "جبهه واحد نیروهای ملی"، "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" و بالاخره "جبهه متحد خلق" که حزب ما هر یک از آنها را در مقاطع زمانی معین و در رابطه با مراحل خاص مبارزه، با در نظر گرفتن آرایش طبقاتی مطرح کرد، دلیل بارز قدر و منزلتی است که حزب توده ایران به ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی قائل است.

مسئود ساختن راههای رخنه دشمن بدرون حزب؛ انجام این وظایف سنگین در شرایط دشوار کنونی مستلزم کوشش فراوان و همه جانبه رهبری و کادری حزبی است. ارگانهای رهبری حزب باید با در نظر گرفتن شرایط کار مخفی اصل کار جمعی با حفظ مسؤلیت فردی راهنمای کار خود قرار دهند و از یکبار بردن شیوههای فرماندهی و اداری احتراز جویند و از طریق بسط انتقاد و انتقاد از خود نواهی کار را رفع نمایند. سازمانهای حزبی باید:

- عرصه کار و فعالیت طبقه کارگر را به میدان عده اشاعه نظرات حزب مبدل کنند؛
- برنامه حزب را در زمینه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به میان توده های زحمتکش، جوانان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان و روشنفکران ببرند؛
- برنامه حزب برای تأمین حقوق خلقها و اقلیت های ملی را در معرض تضاد خلق های ساکن مینماید و قرار دهند؛
- خط مشی حزب و نظرات آنرا پیرامون ضرورت شکل نیروهای انقلابی و ملی و مترقی در جبهه واحد تبلیغ کنند؛
- با در سازمان دادن و هدایت مبارزه زحمتکش شرکت فعال جویند.

تذکر این نکته لازم است که از همان آغاز جنبش انقلابی، میان همه نیروهای محرکه انقلاب يك نوع وحدت عمل اعلام شده ای بوجود آمد. وحدت نظر در آن روزها در باره هدف مشترک فئودالیستی یعنی سرنگون ساختن رژیم سلطنتی و پایان دادن به سیطره اقتصادی و سیاسی امپریالیسم پسر کردگی امپریالیسم آمریکا پایه این وحدت عمل از پائین بدون توافق قبلی از بالا بود. با در نظر گرفتن این ویژگی جنبش انقلابی بود که حزب ما هم در مهرماه و هم در شهریور ماه ۵۷ طی اعلامیه هائی ضرورت اتحاد همه نیروهای سیاسی را در معرض تضاد عام قرار داد. حزب توده ایران در شهریور ماه ۵۷ برنامه حد اقلی رامنشتر ساخت که می توانست پایه ای برای اتحاد همه نیروهای مترقی و انقلابی در تشکیل یک جبهه واحد و پسر یک دولت انقلابی باشد.

در اجرای اصل تلفیق کار ملنی و مخفی باید به کار در بین مردم و در سازمانهای توده ای از نظر وصول به هدف های حزب، برای بهبود وضع زندگی و شرایط کار توده های زحمتکش، مبارزه در راه تأمین آزادیهای دمکراتیک، مبارزه علیه سلطه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و اعمال غیر انسانی " تروریست های اقتصادی " مبارزه علیه گسترش مجدد نفوذ امپریالیسم و زد و بند پشت پرده با امپریالیسم آمریکا و پایان دادن به جنگ خانمانسوز اهمیت ویژه ای داده. در سازمانهای توده ای - شورایی کارگری، دهقانی و کارمندی، سازمانهای جوانان و زنان، شرکت های تعاونی صرّی و غیره است که حزب می تواند با توده های میلیونی مردم در تماس دائم باشد و آنها را در رسیدن به حقوق عادلانه خود هدایت کند.

دیگر به ثمر نرسیده. مواعی که تاکنون بر سر راه وحدت عمل و اتحاد میان نیروهای انقلابی سیاسی و مذهبی قرار گرفته، برخلاف ادعای برخی از گروهها، ناشی از خواست توده های زحمتکش نیست، بلکه معلول پیشداری های ذهنی مخالفان اتحاد است. اگر درست است که مخالفان اجتماعی مسلط در حاکمیت با تمام قوا می کوشند از ایجاد تفرقه در میان نیروهای سیاسی انقلابی و ضد امپریالیستی و انقلابیون مذهبی بسود تثبیت موقعیت خود و احیاء مواضع امپریالیسم، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان استفاده کنند، اگر درست است که آنها از همه مسائل تبلیغاتی و ارگانهای سرکوبگر در جهت ایجاد نفاق و تردید و سوء ظن بین نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی سیاسی و مذهبی بهره میگیرند، در آنصورت تردیدی نمیتوان داشت که اتحاد احزاب و سازمانهای سیاسی مترقی و انقلابیون مذهبی، عامل تحمیل کننده و وسیله اساسی پیروزی در نبردی است که اکنون میان نیروهای انحصار طلب، قسری از یکسو و نیروهای خلق آزادی سوز دیگر در جریان است. وجود اختلاف بین نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی در عرصه ایدئولوژیک و نسیز پیرامون چگونگی تداوم انقلاب و هدفهای دورتر جامعه ایران امریست طبیعی. آنچه حائز اهمیت است وجود نکات مشترک پیرامون هدف عده مبارزه در مرحله کنونی میان حزب ما و دیگر جریانهای سیاسی نامبرده است، که شرایط عینی برای مذاکره و یافتن زبان مشترک در باره برنامه و مشی سیاسی بوجود میآورد.

از لحاظ اهمیت خاص شرکت دهقانان در مبارزه علیه بزرگ مالکان و نیز با در نظر گرفتن کار شکنی های محافظ ارتجاعی در حاکمیت پیرامون اصلاحات ارضی رادیکال، باید به فعالیت در میان دهقانان توجه ویژه مبدل داشت.

در مرحله کنونی مبارزه تبلیغاتی پیوسته تبلیغات کثیف حزب نقش ویژه ای دارد. رؤس مطالبی که باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد بقرار زیر است:

- تجدید سازمان فعالیت مطبوعات حزبی بر اساس خط مشی صوب پانوم به قصد پایان دادن به نوع نوساناتی در عرصه نظرات حزب و خط مشی آن
- کوشش در راه ایجاد هم آهنگی کفّری در نوشته ها. ضمن مطبوعات حزبی باید روشن، منطقی قانع کننده، مستند و راه گشا باشد؛
- توجه خاص به نقش مهم سازماندهی مطبوعات؛
- انعکاس خواست های مترقی و مطالبات عاجل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی توده های زحمتکش در مطبوعات و نشریات حزبی؛
- حمایت از کلیه مجاهدات و مساعی گروههای مترقی اپوزیسیون در مطبوعات حزبی؛
- محکوم کردن هر گونه بازداشت و محاکمات غیر قانونی، هر نوع شکنجه بدون در گرفتن وابستگی سازمانی.

ما معتقدیم که در اتحاد نیروها تکیه را باید روی مسائل مورد توافق گذارد، از عده کردن مسائل مورد اختلاف پرهیز کرد. زیرا اگر اختلاف نظری وجود نمیداشت نیازی به اتحاد در جبهه واحدی نبود.

تمشیر ایدئولوژیک وسیع به منظور تقیم ساختن تبلیغات سوء گروههای ضد توده ای و ضد شوروی توجه ویژه به امر صلح و جنگ که حیاتی پسر در روی زمین وابسته به چگونگی حل آنست

دوم مهر ماه ۱۳۵۸ کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه سرگشاده ای خطاب به همه مردم و همه سازمانها و گروههای هوادار انقلاب منتشر ساخت، که در آن گفته می شد: " بنظر حزب توده ایران، یگانه راه چیره شدن سریع بر مشکلات عظیمی که در مقابل جنبش انقلابی مینماید قرار دارد، بوجود آوردن جبهه متحد خلق از همه نیروهای است که خواستار رسیدن به چهار هدف اصلی انقلابند و دفاع از منافع مشترک توده های دهها میلیونی زحمتکش شهر و ده یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران مینماید و پسر استواران کوچک و متوسط ملی را در سراسر ایران پایه سیاسی و عملی خود قرار میدهند.

افشا، همه جانبه امپریالیسم، صهیونیسم، نژاد پرستی و آپارتاید. پشتیبانی همه جانبه و وسیع از جنبشهای آزاد بخش ملی در سراسر جهان. هیئت سیاسی منتخب پانوم موظف خواهد بود در اسرع وقت رهنمودهای لازم را در زمینه فعالیت تبلیغاتی و نشریاتی حزب با در نظر گرفتن رؤس کلی فوق الذکر تدوین و در اختیار سازمانهای حزبی قرار دهد.

تنها تشکیل چنین جبهه ای می تواند همه نیروهای خلق را برای بازسازی و نوسازی اقتصادی و اجتماعی ایران مجهز کند، عناصر افراطی را منفرد سازد و دسیسه های امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را نقش بر آب نماید. دستاورد های انقلاب را بازگشت ناپذیر کند و انقلاب را باگامهای پرتوان تر و پسر شتاب تر به پیش برد.

حزب توده ایران علاوه بر مبارزه برای نیل به هدفهای عده، در راه تحقق یک سلسله هدفهای تاکتیکی که می تواند حرکتش را بسوی اهداف استراتژیک تسهیل نماید، مبارزه میکند و وظایف حزب در شرایط کنونی مبارزه که باید مورد توجه همه اعضا و نیز ارگانهای تبلیغاتی قرار گیرند در قطعنامه های پانوم هیچدم ارائه شده است.

چهار اصلی که در نامه سرگشاده یاد می شد عبارت بودند از برانداختن کامل رژیم وابسته و ستمرگ گذشتہ، ریشه کن کردن تسلط فئودال و استیلا جهانیه امپریالیسم و صهیونیسم، تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک برای همه مردم ایران از زن و مرد و همه خلقهای ایران و حق تعیین سرنوشت برای ملیت های ساکن ایران، تأمین عدالت اجتماعی بسود محرومان جامعه.

در دیماه همانسال حزب ما در آستانه انتخابات ریاست جمهوری طی بیانه ای برنامه مشترک "جبهه متحد خلق" را به تفصیل منتشر ساخت و اعلام کرد، که آماده است با همه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی مدافع خلق برای پی ریزی چنین جبهه ای با همه نیرو همکاری کند.

با جرئت می توان گفت در صورتیکه در آن روزهای سرزشت ساز نیروهای انقلابی به ندای حزب

مبارزه در راه تحقق این وظایف نقش موشی در بالا بردن سطح آگاهی زحمتکش و تجهیز آنان دارد. کشور ما دوران بسیار حساس و بخرنجی را میگذراند. بهین سبب شعارهای تاکتیکی ما نیز در ارتباط با ریدادها و تغییر اوضاع و احوال جامعه در حال تغییر و تکامل خواهد بود.

چنین است رؤس وظایف سازمانی و تبلیغاتی و نشریاتی حزب، که پانوم باید ضمیمات مقتضی در پاره آنها اتخاذ نماید. شرط عده کامیابی حزب در مبارزه دشوار و مقدس آنست که بتواند سازمان خود را بر پایه مراعات اصول لنینی کار جمعی با در نظر گرفتن شرایط کار مخفی تحکیم پشد. بدین جهت کلیه سازمانهای حزبی باید در کار خود از این اصول پیروی کرده و اصل مخفی کاری قویاً مورد توجه قرار گیرد. فقط در چنین صورتی است که ما میتوانیم سازمانی منسجم، متحد و منضبط و میگر بوجود آوریم. مسئله احیاء و تحکیم سازمانهای حزبی متحد و منضبط در کشور مسئله ایست دشوار، که تنها در صورت احتراز از کار عجولانه، در صورت انتخاب صحیح افسران متناسب از نظر صداقت به جهان بینی حزب و مقاومت در برابر دشمنان و هر گونه سختی و دشواری

توده ایران پاسخ مثبت می دادند. امروز کشور ما به این صائب عظیم دچار نبوده. جای تأسف است که هنوز هم برخی از رهبران گروههای انقلابی بدون در نظر گرفتن ضرورت حیاتی اتحاد نیرو ها مانند سابق موارد اختلاف را برجسته می کنند. مثلاً در مورد حزب ما سعی میکنند چنان بپوشانند و اصول آید ثلوثی که حزب را علت خود داری از اتحاد معرفی نمایند. آنها از اینکه چنان بیانی مارکسیسم - لنینیسم جهان بینی کلیه احزاب کمونیست و کارگری جهان است و نتیجتاً متحد کننده همه این احزاب، چنین نتیجه میگیرند که کلیه احزاب توده ایران فاقد استقلال است. کسانیکه مسائل را از این دیدگاه مطرح میسازند آگاهانه و یا نا آگاهانه آب در آسیاب محافصل ارتجاعی و اعمال امپریالیسم میریزند.

حزب توده ایران جهان بینی و اصول آید ثلوثیک و سازمانی مشخصی را که منطبق با خواستههای طبقه کارگر است انتخاب کرده. زیرا حزب طبقه کارگر است. حزب توده ایران اصل اتحاد سازمانها را بر پایه حفظ استقلال عقیده ای هر یک از آنها امکان پذیر می داند. توقع انصراف از اصول عقیدتی از هر حزب و یا سازمانی بقصد تأمین اتحاد با دیگر احزاب و سازمانها جز سلب استقلال حزب و مستحیل کردن آن در این و یا آن سازمان معنایی نخواهد داشت. چنین است حقیقتی که باید در مبارزه بخاطر اتحاد نیروها در راه تأمین استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی در نظر گرفته شود.

حزب توده ایران در دوران پس از انقلاب نیز کوشش فراوانی برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی، ملی و دیموکراتیک بعمل آورد. حزب ما بجز به همکاری تاریخی نیروهایی که زیر پرچم مبارزه برای استقلال ملی، آزادی و پیشرفت اجتماعی مبارزه می کنند از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران اهمیت زیادی قابل بود. باید متذکر شد که برخی سوءتفاهمات و تدریها در روابط حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران مشکلاتی را پدید آورد که در مجموع پرتیان نبضت ضد امپریالیستی مردم مینماید. ما تمام شد. پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران خواهان تجدید نظر مثبت در این روابط است و به هیئت سیاسی جدید توصیه می کند در راه ایجاد روابط سالم و سازنده با سازمان مجاهدین خلق ایران بماند یکی از نیروهای عمده ضد امپریالیستی و مردمی در جهت اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی کوشش نماید.

حزب توده ایران کوششهای لازم را برای ایجاد تظاهر و تماس نزدیک با رزمندگان انقلابی خلق کرد. بعمل خواهد آورد. پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران از مبارزه بر حق خلق کرد در راه خود مختاری در چارچوب ایرانی مستقل و آزاد پشتیبانی می کند. مسلمانان مبارزی که در شهر و روستا نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند و همچنان در پی دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی هستند، بدون تردید جایشان در اتحاد بزرگ نیروهای انقلابی خواستار تحقق این آرزوست. در کنار کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران و نمایندگان روحانی نمای آنان، این اصل در مورد دیگر نیروهای ضد امپریالیستی نیز صادق است.

رفقای ارجمند!

رهوداد های کشور ما بار دیگر این حقیقت را عیان میسازد که بدون اتحاد و بدون عمل مشترک همه نیروهای انقلابی و مردمی مبارزه بخاطر نجات انقلاب نمی تواند به نتیجه مطلوب برسد. اتحاد احزاب و سازمانها و نیروهای نامبرده، در شرایط کنونی که ارتجاع و اعمال امپریالیسم در جبهه واحدی پیش گرفته های را آغاز کرده اند، حائز اهمیت ویژه ای است. چنانچه خاطر نشان شد، در مبارزه بر سر قدرت که بین جناحهای هواداران مالکیت نامحدود و مالکیت محدود در گرفت، جناح نخست توانست به رفقای خود فائق آید. آنچه در این مرحله از مبارزه می توانست جناح ارتجاعی را با شکست مواجه سازد، حضور ملی و فعالیت گسترده احزاب و سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیستی در عرصه سیاسی بود. مواضع احزاب و سازمانهای مزبور، که نقش تعیین کننده در ارتقاء آگاهی سیاسی توده های زحمتکش داشت، در وهله نخست با موضع جناح طرفداران مالکیت محدود که باصطلاح "عدالت اسلامی" را دهنده می دادند نزدیک بود. بنابراین جناح اخیر فقط می توانست با اتحاد با نیروهای مترقی انقلابی به رفقای خود فائق آید.

جناح ارتجاعی روحانیت که از ویژگی آرایش نیروهای سیاسی در جامعه آگاه بود، تمام نیروی خود را در جهت منفرد ساختن هواداران "عدالت اسلامی" بکار برد، روحانیون قشری و انحصار طلب عملاً در ره واحدی با ساواکها و سلطنت طلبان و دیگر اعمال امپریالیسم با حربه شناخته شده "خطر کمونیسم" و "خطر منافق" مبارزه علیه نیروهای انقلابی را آغاز کردند. هر اقدام و تدبیر، حتی جزئی و در راه انجام برخی از خواستههای زحمتکشان و هر گونه پیشنهاد تدبیر باز دارند. حیاتی نظام منحصراً سرمایه داری و اوست را بنامه الهام از "منافقین" ویا کمونیست ها محکوم و رد کردند. از آنجا که جناح ارتجاعی در جبهه واحدی با همه نیروهای ارتجاعی عمل میکرد، بزودی موفق شد بر رفقای خود که بعطمت پیشداوریه های ذهنی قادر بزرگ ضرورت اتحاد با نیروهای انقلابی سیاسی نبود، فائق آید و آثار او را در تبعیت از امیال خود کند. در این مرحله از مبارزه که هر دو جناح متحداً سرکوب نیروهای راستین انقلاب را بعهده گرفتند.

این روند که از دو سال و اندی پیش آغاز گردید، بالاخره به پیروزی جناح ارتجاعی روحانیت در حاکمیت منجر شد و شرایط ضروری را برای چرخش جمهوری اسلامی بر است فراهم آورد. اگر علت پیروزی محافظ ارتجاعی، قشری و انحصار طلب اتحاد آنها در جبهه ارتجاعی است، علت شکست جناح دیگر را باید در امتناع آن از اتحاد با نیروهای راستین انقلاب جستجو کرد. بدون شک، مبارزه بر سر قدرت هنوز پایان نیافته است. شواهد و قرائن گوناگون و از جمله اظهارات سخنگویان جناحهای مختلف مؤید آنستکه، محافظ ارتجاعی در صدد کنار گذاشتن کامل رفقای خویش از صحنه سیاسی هستند. ادامه راندن انقلابیون مذهبی و غیر مذهبی از ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی و تجدید فعالیت تبلیغی و تربیتی هواداران مسلمانان مبارز. در سطح پائین اقداماتی است، که بتدریج شامل مقامات بالا نیز خواهد شد.

سوی از هم اکنون می توان گفت که محافظ ارتجاعی و قشری موفق شده اند امیال ضد ملی خود را در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به جامعه تحمیل کنند. جلوه گیری از تصویب قانون کار و بیمه های اجتماعی منطبق با خواست کارگران، رد قانون اصلاحات ارضی، معلق گذاردن قانون ملی شدن بازرگانی خارجی بازگرداندن کارخانه های ملی شده به سرمایه داران، اعلان فروش سهام کارگاههای صادره شده، باز پس گرفتن زمینهای تقسیم شده به مالکان، بازگرداندن سهام خارجی شرکتهای ملی شده به انحصارهای امپریالیستی، گسترش همکاری همه جانبه بسا انحصارهای تک ملیتی و چند ملیتی، و چرخش بر است در سیاست خارجی، حاکی از تجسیم روز

افزون مواضع نیروهای ارتجاعی و اعمال امپریالیسم در حاکمیت است. تصادفی نیست که همزمان با این روند عمیقاً ضد ملی و ارتجاعی در داخل، ما شاهد جان گرفتن دست نشاندهگان ایرانی امپریالیسم در خارج از کشور و اتحاد مجموعه ضد انقلاب در جبهه واحد و نیز تشدید فعالیت خرابکارانه در داخل کشور هستیم.

این سیاست آشکارا ضد ملی نمی توانست در تشدید ناراضی توده ها مؤثر نباشد. نیروهای قشری انحصار طلب، که خود عامل عمده ناپسا ما میباشند، گسترش فقر و بیکاری و ترور اختناق در جامعه هستند، می کوشند از وضع موجود برای تحکیم پایگاههای اجتماعی خویش بهره بگیرند. صرف نظر از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و قشری از بورژوازی متوسط صنعتی و بازاریابان، که توانستند پس از انقلاب ثروت انبوهی از راه غارت زحمتکشان فراهم آورند، بخش فوقانی اقلیت مبارز هم در جبهه ضد انقلاب بهمین ۵۷ قرار دارند. از روحانیت قشری انحصار طلب در حاکمیت که مدافع یقین و شروط منافع آنانست حمایت می کنند. ضد انقلاب فراری نیز در زد و بند با این گروه است. بخش قابل ملاحظه ای از اقلیت مبارز، که از حاصل دسترنج خویش امرار معاش می کنند، قشرهای وسیع دهقانان، افزارمندان، کسبه، کارمندان بخش های دولتی و خصوصی، دبیران، آموزگاران، مهندسیین و غیره را در بر می گیرد. نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند. هر یک از اقلیت مبارز خواسته های معین و مشخصی را در جریان جنبش انقلابی مطرح ساخته بودند و طبیعتاً در انتظار بر آورده شدن آنها بودند.

دهقانان کم زمین و بی زمین خواهان اصلاحات ارضی را دیکال بودند. ولی آنها نتوانستند به آرزوی خود نائل آیند. فقر و مسکنت آنها را مانند گذشته به مهاجرت به شهرها مجبور کرد. طبق اعتراض صریح مقامات دولتی مهاجرت روستائیان بشهرها همچنان ادامه دارد. دهقانان میانه حال خواهان دریافت اعتبار بالا بردن قیمت خرید محصولات کشاورزی و تهیه ماشین آلات کشاورزی به قیمت ارزان هستند. گر چه رژیم تدبیری در جهت جلب این قشر اتخاذ نمود، ولی گرانی و تورم و عدم امکان تهیه ابزار زندگی و غیره این قشر را نیز از چمبوره اسلامی روی گردان می کند.

اخراج بی دلیل عده کثیری از کارمندان، آموزگاران، دبیران، استادان دانشگاهها و دانشجوین آنها را در صف مخالفان نظام سیاسی جدید قرار داده است. رشتنکاران، نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران، استادان دانشگاهها، دبیران، پزشکان و حقوق دانها که در گذشته از زندگی نسبتاً رفاهی برخوردار بودند، برای بهبود شرایط زندگی به انقلاب نپیوستند. انگیزه شرکت این گروه مؤثر در جامعه در انقلاب دستیابی به آزادی های دموکراتیک بود. این گروه به استثنای معدودی "نوسلمانان" در خدمت رژیم تنها به آزادیهای مورد علاقه خویش دست نیافتند، بلکه امتیازات مادی خود را هم سپردند.

سیاست قشریون انحصار طلب مجموعه لایمهای بنیادینی را بتدریج از هواداران جمهوری اسلامی به مخالفین و در مواردی به دشمنان آن میدل میسازد. ضد انقلاب می کوشد تا با دادن وعده های بی پشتوانه این گروه عظیم را بسوی خود جلب کند.

طبقه کارگر، که نقش تعیین کننده در پیروزی انقلاب داشت، از کلیه حقوق محروم است. کارگر که از حق تشکیل سندیکا و حق اعتصاب محرومند نه کوچکترین سهمی در اداره امور کارگاهها و به بطور اولی در اداره امور کشور دارند. برخی امتیازات گذشته آنان که محصول مبارزات خونین بود، ملغی گردید. اعضا بجای کارگری سرکوب می شود. افزایش سرسام آور هزینه زندگی از سوسی و ملخه گذاری دولت از افزایش دستمزدها از سوی دیگر زندگی را بر طبقه کارگر مشکل تر ساخته است. افزایش سرچشمه تعداد بیکاران، امتناع دولت از بهبود وضع زندگی مادی و معنوی زحمتکشان طبقه کارگر را نیز در مقابل محافظ ارتجاعی در حاکمیت قرار میدهد.

بدیهی است که بروتلرهای صنعتی ایران استوارترین ذخیره انقلاب است و همانطور که در جهان مبارزه علیه طرح جدید ارتجاعی قانون کار نشان دادند، خواهان تداوم انقلاب، طرفدار نیروهای ارتجاعی و اعمال امپریالیسم از حاکمیت و ایجاد تحول بنیادی به نفع محرومان جامعه اند. بویا انقلابیون راستین در صف واحدی مبارزه می کنند. ولی این هم حقیقتی است انکارناپذیر که میان سپاه چندین ملییتی کارگران، پسایران ناآگاهانی که بسبب ولتی می توانند طعمه وده های ضد انقلاب گردند.

هر دو جناح هیئت حاکمه در ایجاد چنین وضعی شریکند. اگر جناح ارتجاعی در حاکمیت دانسته و آگاه در این راه گام برداشته است، جناح دیگر برای حفظ مواضع خود در حاکمیت گام بگام عقب نشینی کرده، با تن دادن به سازش غیر اصولی به آرمانهای انقلاب پشت کرده است. این جناح با تسلیم در مقابل فشار قشریون انحصار طلب در زمینه سرکوب نیروهای سیاسی راستین انقلاب و انقلابیون مذهبی، که با پیورش سببانه به انصراف توده ایران به نقطه اوج رسید، عملاً میدان را برای یک تازی و خود کامگی راستگرایان و اعمال امپریالیسم خالی گذاشت. ادامه وضع بدین منوال زمینه مناسبی برای اجرای تام و تمام نقشه های شیطانی ضد انقلاب و قشریون انحصار طلب پشمار میورد.

آنچه در کشور ما میگذرد هشدار است جدی به نیروهای ملی و مترقی و انقلابیون مذهبی. در مرحله کنونی مبارزه که فلیان ناراضی عمومی میرود تا توده های زحمتکشان را از جمهوری اسلامی بکلی روی گردان سازد، یگانه راه نجات انقلاب ایجاد جبهه متحد خلق است. اتحاد احزاب و سازمانها، گروهها و شخصیت های ملی و مترقی، ضد امپریالیستی و آزادخواه صادق به آرمانهای انقلاب اعم از مذهبی و غیر مذهبی تنها راه بیرون رفت از وضع کنونی است. چنینسببهای با برنامه مشترک مورد قبول همه نیروهای شرکت کننده میتواند وثیقه مطمئن در مبارزه در راه تشکیل یک دولت انقلاب ملی برای تحقق آرمانهای انقلاب در جهت منافع محرومان جامعه باشد. هیچد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران طی قطعنامه های برنامه عملی در این زمینه مطرح ساخته است.

ما معتقدیم که نیروهای راستین انقلاب و همه کسانیکه خواهان پایان دادن به سيطرة ارتجاع در حاکمیت و تشکیل یک دولت انقلاب ملی برای دفاع از منافع زحمتکشان و محرومان جامعه هستند می توانند با هم زبان مشترک بیابند و با تدوین برنامه جامع، فعالانه در راه تحقق آن مبارزه کنند. برخلاف تصور ضد انقلاب تئور انقلاب سرد شده و نیروهای سیاسی مترقی و انقلابیون مذهبی دارای پایگاههای وسیع مادی و معنوی در جامعه اند و می توانند با اتحاد و عمل مشترک همه طبقات و اقلات زحمتکشان را که از سران جمهوری اسلامی روی بر میگردانند به صفوف خود جلب کنند. دست یابی به این هدف ضرورت نیاز به شهادت انقلابی و تفاهم دارد. حزب توده ایران به نحوه خود همه مساعی لازم را در تحقق این مهم بکار خواهد برد.